

در حاشیه حضور احمدی نژاد در اجلاس سازمان ملل

ناخوش احوال شهرت یافته و در سخنرانی‌ها دری وری میگوید. احزاب سوسیال دمکرات و لیبرال او را طرد کرده‌اند. راست‌ها هم او را طرد کرده‌اند و همین امر موجب خشنوی برخی از نمایندگان جناح چپ سرمایه، از وی گشته است. همانند چاوز که چه بسا تا به حال چندین جلد «کلام‌الله مجید و جا نماز اطلسی» از احمدی نژاد هدیه گرفته و آنها را با احتیاط جایی پنهان کرده باشد.

احمدی نژاد در محاصره خشم بعد از روز قدس ایران را ترک کرد. در محاصره خشم طرفداران روز قدس بسوی سکوی سخنرانی برای نمایندگان جناح‌های طبقه خود رفت. و سرانجام در آنجا نیز از طرف بسیاری از نمایندگان سرمایه‌داری بین‌المللی طرد شد. آنان با خروج از محل سخنرانی، همبستگی خود را با جناح‌های راست و چپ جنبش سبز در خارج از کشور اعلام کردند. احمدی نژاد حتی از طرف طبقه خود نیز طرد شده است.

اتحاد مخالفان احمدی نژاد اما به هیچ وجه بیانگر محبوبیت آنان در نزد، استثماری‌شدگان نیست. اینان تنها در نزد احزاب و اقبشاری که پایگاه اجتماعی‌شان را میسازد، محبوب هستند. واقعیت این است که در این جدال آراء و احزاب، طبقه کارگر و نمایندگان او هیچ حضوری ندارند. قرار نیز نیست که حضور داشته باشند. این جدال، جنگ میان استبداد و دمکراسی سرمایه است. جنگ میان مدرنیته و ضد مدرنیته است. جنگ میان جناح‌ها برای تصاحب قدرت و ثروت ناشی از استثماری طبقه کارگر است. طبقه‌ای که حضور آن در صحنه سیاسی منوط به رشد جنبش انقلابی و نزول هژمونی طبقه حاکم است.

احمدی نژاد در محاصره خشم توده‌های میلیونی بسوی نیویورک پرواز کرد. در محاصره خشم تظاهرکنندگان بسوی بنای سازمان ملل حرکت کرد و در بارانی از سیل شعارهای قاتل، قاتل، وارد ساختمان سران جامعه جهانی سرمایه گشت. کمتر رئیس جمهوری تا به این حد سنبل انزجار و تنفر عمومی بوده است. این تنفر عمومی است. تقریباً همه رئیس‌جمهورهای نظام سرمایه، کم و بیش مورد انزجار اکثریت عظیم جامعه‌ای هستند که در آن، بواسطه دمکراسی پارلمانی و یا دیکتاتوری شبه پارلمانی به اریکه قدرت کشانده شده‌اند. بسیاری از این سران بارها در نمایش انتخاباتی کمتر از سی یا بیست درصد از آراء جلب شده توسط تکنولوژی رای‌سازی را بدست آورده‌اند. اما پس از دورانی سیرک راست، میانه و چپ، مجدد در صندلی ریاست نشسته‌اند. این مکانیسم «دمکراسی» در کنترل انزجار استثماری‌شدگان از سران نظام است.

احمدی نژاد اما تنها مورد انزجار طبقه تولید کننده و اکثریت جامعه نیست. وی مورد انزجار عمومی است. اقبشار جناح‌های طبقه‌ای که او نیز بدان تعلق دارد، وی را نمیخواهند. سران نظام و بسیاری از بنیانگذاران نظام جمهوری اسلامی، احمدی نژاد منفور را طرد کرده‌اند. از مراجع تقلید شیعه گرفته تا تجار سنتی، از اصول‌گرایان متزلزل گرفته تا اصلاح طلبان تندرو، همه و همه احمدی نژاد را در صحنه سیاسی ایران تنها گذاشته‌اند.

در سطح جهانی نیز، احمدی نژاد منفور است و با هیتلر مقایسه میشود. بعنوان یک پرزیدنت